[**پیش بینی های آیت الله خامنه ای در جنگ تموز**](http://payedars.blogfa.com/post-299.aspx)

یکی از تحلیل گران مسائل لبنان میگفت:من تاكنون معجزه‌هاي زيادي از اين مرد خدايي آیت الله خامنه ای  ديده‌ام اما در خلال اين جنگ سه روزه لبنان در سال 2006 نفس خدايي او ما را بر  رژيم صهيونيستي كه خود را از لحاظ نظامي اولين ارتش منطقه مي‌دانست پيروز كرد . آقا در جلسه‌اي گفتند كه به احتمال زياد رژيم صهيونيستي در اين تابستان يك عملياتي براي اشغال نظامي قسمتهايي از لبنان و حذف حزب‌الله كليد بزند و شما بايد آمادگي آن را داشته باشيد.

اين در حالي بود كه بررسي‌هاي نظامي و اطلاعاتي ما چنين چيزي را نشان نمي‌داد بعد از چند روزي ما دقت خود را افزايش داديم تا اينكه دو افسر صهيونيستي را دستگير شدند و بعد از بررسي‌هاي متعدد توطئه آنها كشف شد و رژيم صهيونيستي براي اينكه طرحش زياد لو نرود عمليات خود را جلو كشيد و زودتر از موقع اوليه به لبنان حمله كرد و به اين طريق خيلي از طرح‌هاي نيمه تمام آنها شناسايي و اطلاعات آنها ناقص ماند و ما به پيروزي بزرگي رسيديم . معجزه دوم اين مرد خدايي اين بود كه گفتند به بچه‌ها در حزب‌اله بگوييد دعاي جوشن صغير بخوانند . گفتند آقا چرا اين دعا؟ فرمودند: اين دعا ، دعاي افراد مضطرب و گرفتار است و انشاءالله روحيه آنها را تقويت و آنها را پيروز مي‌گرداند.

و ما هم پيام را رسانديم و در اين 33 روز همه رزمندگان حزب‌‌الله لبنان اين دعا را مي‌خواندند و حتي سني‌ها و مسيحي‌ها هم در مورد ماهيت اين دعا و نقش آن در مقاومت حزب‌الله سوال مي‌كردند و در بسياري از موارد اين دعا را مي‌خواندند و الحمداله اين جنگ با پيروزي حزب‌الله به پايان رسيد و مقاومت حزب‌الله به نقش بي‌بديل ولي‌فقيه در كنترل اين بحران پي برد و حقانيت ايشان حتي براي دشمنان حزب‌الله و ايران هم آشكار شد.

سید حسن نصر الله هم در بخشی از مصاحبه خود با هفته نامه پنجره به بیان برخی از این خاطرات می پردازد:خيلي مسايل در گذشته داشتيم. اکثريت همه مسئولين يک نوع فکر مي‎کردند و نظر مي‎دادند و آقا هم نظر ديگري مي‎داد. بعد مي‎ديديم نظري که آقا داده‎اند صائب است و نتيجه‎بخش. من خيلي با حضرت آقا محشور بوده ام .مسايل زيادي دارد که اگر بگويم تا صبح تمام نمي‎شوند، بعد از حادثه يازده سپتامبر آقا فرمودند: نگران نباشيد. يازده سپتامبر شروع نزول آمريکا است. آمريکا به اوج خود رسيده است و آغاز نزول آن است. اين‎ها از کجا است؟ اين‎ها از هدايت الهي است. هميشه آقا به آينده خوش‎بين است. قدر آقا را بدانيد. يکي از علماي شيعه مدينه آمده بودند و نگران بودند. به ايشان بعضي از مسايل را تعريف کردم و مسايلي درباره آقا گفتم و اطمينان دادم.

در جنگ تموز (جنگ سي‎وسه روزه)، تحليل‎ها حاکي از يک جنگ محدود بود. فکر مي‎کردند چند تا ساختمان را مي‎زنند، حملات محدودي براي آزادي اسرا انجام مي‎دهند و تمام مي‎شود، لکن از روز دوم تهاجم وسيعي را آغاز کردند و تقريبا همه‎جا را زدند. در اتاق عمليات بوديم و مقابله مي‎کرديم. وضعيتمان خوب بود، ولي چند نفر از دوستان از نظر روحي و عاطفي ناراحت بودند. آيا اسير گرفتن امل باعث اين تهاجم و جنگ شده است؟ اين سؤال ذهنمان را آزار مي‎داد و بچه‎ها را در فشار روحي قرار مي‎داد. هرچند اين مسئله در اصل اداره جنگ و مقاومت تأثيري نداشت.

در اين شرايط حساس بود که پيام الهام بخش آقا، رسيد: «اين حمله از قبل تدارک ديده شده است. مي‎خواستند در غفلت حزب الله تهاجم وسيع داشته باشند. همه‎جا را بزنند و بعد حمله زميني بکنند و مسلط بشوند و شروط خود را تحميل کنند. اين‎هايي که رفتند اسير گرفتند، لطف خدا بود، اين جنگ احزاب است «ستبلغ القلوب الحناجر» اگر به خدا توکل کنند و مقاومت کنند پيروزند به آقاي سيد حسن نصرا... بگوييد پيروزيد و اگر در اين جنگ پيروز شويد قدرتي مي‎شويد که هيچ قدرتي در مقابلتان نمي‎ايستد. اين را هم بگوييد که آن‎ها مي‎خواستند حمله کنند. اسير گرفتيم جنگ را جلو انداختند و آخرين سفارششان هم اين بود که به امام زمان (ع) توسل کنيد.

اين پيغام، بسيار الهام‎بخش بود. مشکل روحي و عاطفي ما را حل کرد. آن‎ را لطف الهي دانستيم و اميدوار به پيروزي شديم. در سخنراني‎ها هم گفتيم که دشمن از قبل برنامه‎ريزي براي حمله داشته و مي‎خواستند در پاييز حمله کنند و لکن بعد از حادثه اسيرگيري حمله را به تابستان آوردند، وقتي ما اين حرف را زديم، خيلي از تحليل‎گران سياسي جهان عرب آمدند آن را تأييد کردند. آقاي حسين هيکل در حمايت از اين حرف مصاحبه کرد و گفت من هم اطلاع داشتم و در تحليل به آن رسيده بودم. روزنامه‎هاي معروف جهان عرب هم اين تحليل را واقع‎بينانه معرفي کردند.

از سياسيون لبنان افرادي مثل ميشل عون هم آن ‎را تأييد کردند. اما يک چيز براي خود من سؤال بود که آقا، اين حرف را از کجا مي‎دانسته و با چه دليلي گفته است؟ بعد از جنگ، از طريق يکي از دوستان آن را از آقا پرسيدم. آيت الله خامنه‎اي فرموده بودند اطلاعات خاصي در اين‎باره نداشتم. به ذهنم خطور کرد. گفتم اين الهام خدايي است که به ذهن بنده‎اش جاري کرد.

[خاطرات سید حسن نصر الله از آیت الله خامنه ای](http://payedars.blogfa.com/post-298.aspx)